

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: گراهام هوریس
فرستنده: عثمان حیدری
۰۴ اکتوبر ۲۰۲۰

پیرامون بحران سیاسی- اجتماعی در ایالات متحده



فرهنگ سیاسی مسموم در ایالات متحده امریکا در گفتمان تلویزیونی بین دونالد ترامپ و جو بایدن بروشنی آشکار شد. فارغ از این که کدامیک از این دو در انتخابات پیروز شود، مطمئناً باز هم خشونت وجود خواهد داشت، به ویژه اگر نتیجه انتخابات کاملاً صریح و قاطع نباشد.

شش دلیل برای آن که ایالات متحده در آستانه سقوط سیاسی و اجتماعی قرار دارد

فرهنگ سیاسی مسموم در ایالات متحده امریکا در گفتمان تلویزیونی بین دونالد ترامپ و جو بایدن بروشنی آشکار شد. فارغ از این که کدامیک از این دو در انتخابات پیروز شود، مطمئناً باز هم خشونت وجود خواهد داشت، به ویژه اگر نتیجه انتخابات کاملاً صریح و قاطع نباشد.

ایالات متحده در مقابل یک بحران بی نظیر سیاسی- اجتماعی قرار گرفته، فارغ از این که چه کسی در انتخابات ریاست جمهوری در ماه نومبر پیروز گردد. رئیس اساسی این معضل در پیش، هم اکنون ملموس است و ریشه در فرهنگ مسموم سیاسی که در ۳۰ سال گذشته در کشور به وجود آمده، دارد.

- شش علت از مهمترین علل این بحران پیش رو عبارتند از:
۱. ناتوانی دونالد ترامپ در مبارزه علیه پاندمی کووید-۱۹.
 ۲. تشدید اخیر ناآرامی‌های نژادی که از قرن ۱۸ تاکنون سیاست امریکا را متأثر ساخته.
 ۳. ناآرامی و سقوط اجتماعی که بتازگی به دنبال جنبش «جان سیاهپوستان مهم است» و دیگر گروه‌ها پدید آمده.
 ۴. تشدید اخیر مبارزه فرهنگی که از دهه ۱۹۶۰ جامعه امریکائی را متأثر ساخته است.
 ۵. پیدایش به اصطلاح گروه «چپ‌های رادیکال» در درون حزب دمکرات که از سوی «آلکساندریا اوکازيو کورتس» رهبری می‌شود و از طرف جو بایدن تحمل می‌گردد.
 ۶. سیاسی کردن اخیر دیوان عالی کشوری و مسأله سقط جنین به وسیله ترامپ که با انتصاب «آمی کانی بارت» که مخالف سقط جنین است به عنوان جانشین قاضی «گینزبورگ» صورت گرفت.
- این تحولات اخیر باعث تعمیق شدید شکاف در درون جامعه امریکا شد، که فارغ از نتیجه انتخابات نومبر باز هم شدت خواهد یافت.

اگر بایدن پیروز شود چه خواهد شد؟

اول از همه کلیه نیروهای مخالف ترامپ در درون حزب جمهوری‌خواه علیه ترامپ و هواداران او برپا خواهند خاست و حزب با فاز حجامت و زدوخوردهای سیاسی بر سر قدرت روبه‌رو خواهد شد.

ترامپ در سال ۲۰۱۶ از طرف جمهوری‌خواهان نامزد پست ریاست جمهوری شد، زیرا تنها نامزدی بود که شانس غلبه بر هیلری کلینتن را داشت. بسیاری از جمهوری‌خواهان او را تحقیر می‌کنند و تنها برای این از او حمایت می‌کنند، زیرا در سال ۲۰۱۶ در انتخابات پیروز شد و می‌تواند مجدداً پیروز شود. «میت رامنی» نمونه مشخص این گروه است. او از ترامپ متنفر است (او موافق شکایت از ترامپ بود) ولی بتازگی در رابطه با انتصاب دیوان عالی قاطعانه از ترامپ حمایت کرد تا پیروزی جمهوری‌خواهان را در ماه نومبر تضمین کند.

انتقادات تازه جورج دبلیو بوش و دیگر شخصیت‌های سابق جمهوری‌خواهان این احساس عمیق ضدترامپ در درون حزب را آشکار می‌کند. حمایت کنونی همسر سناتور سابق جمهوری‌خواه «جان مک‌کین» از بایدن نیز مبین همین امر است. چون آن‌ها دیگر در جست‌وجوی مقام نیستند، می‌توانند افکار خود را بی‌پرده بیان دارند.

بدیهی است که هواداران پروپاقرص ترامپ به هیچ عنوان پیروزی بایدن را تحمل نخواهند کرد و برای اعتراض به خیابان‌ها خواهند ریخت.

و آیا واقعاً کسی باور می‌کند که بایدن (و یا «کامالا هاریس») قادر خواهد بود انشقاق عمیق موجود در حزب را که جامعه امریکا را تخریب می‌کند، ترمیم کند؟

پیروزی بایدن باعث خواهد شد که فراکسیون «اوکازيو کورتس» در درون حزب دمکرات باز هم قوی‌تر شود، که به نوبه خود این مشکلات را شدیدتر خواهد کرد.

اگر ترامپ پیروز شود، چه خواهد شد؟

حزب دمکرات احتمالاً به طور نهائی در هم خواهد شکست. فراکسیون «اوکازيو کورتس» سعی خواهد کرد یا رهبری حزب را به دست گیرد و یا از حزب انشعاب کند. هر دو مورد برای دمکرات‌ها فاجعه‌بار خواهد بود، زیرا دمکرات‌ها

برای پیروزی در انتخابات محتاج آرای هواداران کورتس و بایدن در پایه هستند. در گرماگرم مصاف احتمالاً دمکرات‌های محافظه‌کار (مانند سال ۱۹۶۸ در دوران ریگان) به سوی حزب جمهوری‌خواه گرایش خواهند یافت. آنچه که به جمهوری‌خواهان مربوط می‌شود، آن‌ها شاهد چهار سال دیگر سلطه ترمپ که قدرتمندتر از گذشته عمل خواهد کرد، خواهند بود.

و این امر نسخه خوبی برای ثبات اجتماعی بیشتر نیست. ترمپ طی چهار سال گذشته هیچ گامی برنداشت تا زخم‌های امریکا را التیام بخشد و در چهار سال حکومت بعدی نیز هیچ تغییری محتمل نیست. حتا امکان دارد که او با مخالفتش شدیدتر برخورد کند.

طبیعتاً «اوکازو کورتس» و هوادارانش پیروزی ترمپ را نخواهند پذیرفت و سازوکارهای آنان به بی‌ثباتی شدت خواهد بخشید و جنبش «جان سیاه‌پوستان مهم است» (BLM) و جنبش ضدفاشیستی را تقویت خواهد کرد. و آنگاه که دیوان عالی کشور (به ریاست قاضی «بارت») تصمیم گیرد که سقط جنین غیرقانونی است (و از این طریق حکم خود را که در سال ۱۹۷۳ در رابطه با مورد حقوقی Roe v. Wade صادر کرده بود لغو کند) به تظاهرات و ناآرامی‌هایی دامن خواهد زد که کوچکتر و ضعیف‌تر از تظاهرات BLM خواهد بود.

ولی یک سناریوی سوم (محتمل‌تر) نیز وجود دارد که به بحران به مراتب شدیدتری خواهد انجامید. فرض کنید که نتایج انتخابات نومبر کاملاً صریح و روشن نباشد و ترمپ مشروعیت این انتخابات را زیر سؤال قرار دهد و کوشش کند بر سر قدرت بماند و به همین خاطر نیز قاضی بارت را به عضویت دیوان عالی منصوب کرد. همه این فرض‌ها کاملاً منطقی به نظر می‌رسد.

می‌دانیم که دیگر چیزی به انتخابات نمانده و آرای پستی بعد از مدت طولانی‌تری شمرده خواهد شد. ترمپ همیشه گفته انتخاباتی که آرای گسترده پستی را مجاز می‌شمارد، مشروع نیست و مکرراً از اذعان به این‌که دست به دست شدن قدرت را بدون مقاومت خواهد پذیرفت، سر باز زده است و قاضی انتصابی او برای دیوان عالی احتمالاً قبل از انتخابات مورد تأیید قرار خواهد گرفت.

اگر این سناریو به حقیقت بپیوندد امریکا با یک بحران سیاسی درازمدت روبه‌رو خواهد شد که (مانند بحران واترگیت نیکسون در سال ۱۹۷۴، اما با تفاوت‌های مهم) ماه‌ها به طول خواهد انجامید.

به عکس نیکسون، ترمپ در ارتشاء علنی شرکت نداشته، به طوری که موقعیت وی به مراتب مطمئن‌تر است. نیکسون واقعاً فاسد بود و خودداری وی از ارایه نوارهای صوتی و همین‌طور منتظر خدمت کردن دادستان ویژه «آرچیبالد کوکس» و استعفای دادستان کل کشور «الیوت ریچاردسون» سرنوشت او را رقم زد.

دیوان عالی به اتفاق از نیکسون خواست نوارهای صوتی را ارائه کند و تعداد زیادی از سیاستمداران وفادار حزب جمهوری‌خواه اعلام کردند که استیضاح او را مورد تأیید قرار خواهند داد. در آخر نیکسون چاره دیگری جز استعفاء نداشت.

آیا تعداد تعیین‌کننده‌ای از سیاستمداران جمهوری‌خواه تحت شرایط کنونی حاضر خواهند بود علیه ترمپ رأی دهند؟

احتمالاً خیر. به هر حال آن‌ها طی چهار سال گذشته از او حمایت کردند. جالب توجه این بود که در هفته گذشته رهبر جمهوری‌خواهان در سنا «میچ مک‌کانل» حزب را موظف به تحویل منظم و مرتب قدرت کرد. در حالی‌که ترمپ مجدداً از این وعده خودداری نمود. آنچه که با اطمینان می‌توان گفت این است که ترمپ هرگز استعفاء نخواهد داد.

دیوان عالی کشور اجباراً با بحران روبه‌رو خواهد شد، درست همان دیوان عالی که از طرف دمکرات‌ها مورد اتهام واقع می‌شود که به شکل نامناسبی با محافظه‌کاران همکاری می‌کند.

آیا دیوان عالی از ترمپ حمایت خواهد کرد؟

حکم دیوان عالی علیه ترمپ (که ترمپ آن را از روی نادانی محکوم کرد)، مدیحه‌سرایی پراحساس قاضی عالی «رابرتز» در ارتباط با قاضی متوفی خانم «گینزبورگ» در هفته گذشته و همین‌طور نیاز اساسی دیوان عالی (در چنین بحرانی) استقلال و حاکمیت خود را حفظ کرده و روی آن تأکید کند، بعید می‌نماید که دیوان دست به چنین اقدامی زند. ترمپ طبیعتاً فکر می‌کند هر قاضی که او منصوب کرده به طور خودکار از او حمایت خواهد کرد ولی این یک سوءتفاهم مطلق از شیوه کار دیوان عالی است. تاریخ دیوان مملو از قضات انتصابی محافظه‌کاران است که بعد استقلال قضاوت خود را به نمایش گذاشتند.

ولی به هر نحو هم که دیوان عالی تصمیم بگیرد، بخش بزرگی از مردم امریکا وجود دارد که خلاف سال ۱۹۷۴ از پذیرفتن تصمیم دیوان عالی خودداری خواهد کرد.

یک بحران سیاسی آن‌طور که در بالا آمد اجباراً اضمحلال اجتماعی را شتاب خواهد بخشید و به تشدید خشونت‌های تودمئی و بی‌قانونی در خیابان‌های امریکا خواهد انجامید که به وسیله پاندمی کووید-۱۹ تشدید خواهد شد.

ناآرامی‌ها و قتل که در ماه‌های اخیر در پورتلاند، لوئیزویل و شهرهای دیگر در سطح امریکا روی داد، مبین این چشم‌انداز است. اگر این وقایع قبل از انتخابات رخ دهد، هولناک است که تصور کرد چه اتفاقاتی طی یک بحران سیاسی درازمدت پس از انتخابات رخ خواهد داد. حال هر اتفاقی هم که در نومبر رخ دهد، آینده ایالات متحده بسیار تاریک به نظر می‌رسد.

از آنجا که هر دو نامزد در ورطه فرهنگ سیاسی مسموم گرفتارند، نه ترمپ و نه بایدن (و نه هاریس) قادر نخواهند بود با بحران سیاسی اجتماعی در پیش مقابله کنند.

و حتا اگر دیوان عالی و جناح محافظه‌کار حزب جمهوری‌خواه برای حل بحران سیاسی در پیش دخالت کنند، قادر نخواهند بود بحران اجتماعی ناشی از آن را لگام بزنند. ما می‌توانیم شاهد فاز اولیه اضمحلال کامل ایالات متحده امریکا باشیم.

«گراهام هوریس» یک ژورنالیست و وکیل رسانه‌ای استرالیایی است که مقالاتش در

Sunday Mail ،The Age ،Sydney Morning Herald ،The Australian
Quadrant و Spectator منتشر شده است.

منبع: لینکه سائیتونگ

تارنگاشت عدالت